

چہرہ



چین هانوی هنوز چپ می زند!

شهروند! جشن هشتاد سالگی
فوندا، با یازگ کهنه کار سینمای آمریکا که
بیشتر اورا با موضوعیگری های چپگرا یانه اش
در دهه های پر آشوب شصت و هفتاد به
یاد می آوریم، پر گزار شد و فوندا در ادامه
مسئولتهای اجتماعی-سیاسی اش در
این مراسم مبلغ قابل توجهی، در حدود
یک میلیون و سیصد هزار دلار نیز برای بنیاد
خبر به اش جمع آورد کرد.

آسوشیتد پرسیز در این زمینه گزارش می‌دهد که جین فوندا که دو جایزه کارگردانی در کارنامه دارد، در این مراسم به عنوان هفتم دهه جین فوندا در آتلانتا برگزار شد. میزان چهارپهره‌ای چون دالی لاریتون، وی آشتنگ و اوایلینفری، دو که به تنهایی پیام‌ویدیویی تولید این بازیگر کینه‌کار نردی وی تریک گفتند بلکه با کمک‌های فوندا به بنیاد خیریه جین فوندا وارد اهداف انسان‌دوستانه‌اش یاری رساندند. بنیاد فوندا در سال ۱۹۹۵ در آتلانتا تأسیس شد و بیشتر تمرکزش بر سلامت نوجوانان است. جین فوندا را یک فعال جدی سیاسی نیز می‌شناسند. این بازیگر که سال ۱۹۷۲ با سفر به ویتنام برای اطلاع‌رسانی از آسیب‌های جنگ ویتنام به وجود آمدن در سطح جهانی به نام جین‌هاوی شناخته‌شد، عضو گروهی برای تلافی جین هست است که حقوق زنان، در سراسر جهان، حمایت‌ها کند.

فوندا که امسال در کنار رابرت ردفورد با دریافت جایزه یک عمر دستاورد هنری از هفتاد و چهارمین جشنواره فیلم ونیز مورد تجلیل واقع شد، با حضور در فیلم‌هایی چون جولیا، کلوت، آن‌ها به اسب‌ها شلیک می‌کنند و... خاطره سینمایی چند نسل را پربارتر کرده‌است.

دریچہ

ده و ده دقیقه

علیه تہیہ کنندہ قاتل اہلی



فیروزندا | خبرسازهای هارپوچهای ایران
 قیلم قاتل اهلی نمونه انگار تماشادستی نیست و در
 جدیدتی نه مونه دودهای ایران ایل قیلم
 برسد که سرپرست گروه موسیقی ده و دقیقه
 باین ادعا که نام آنها توسط تهیه‌کننده قاتل اهلی
 از حذف شدن، منصور لنگری قوتانی انتقاد
 می‌کند. امین حقیری، سرپرست گروه موسیقی ده
 و دقیقه در این مورد می‌گوید: در اواخر تابستان
 گذشته از گروه ده و دقیقه برای همراهی در
 کنسرسی از قیلم دعوت به عمل آمد و ما هم به
 احترام اساتید مسعود تهیه‌کننده قرارداد می
 نکردیم، اما متأسفانه آقای تهیه‌کننده هم قرارداد می
 امضا نکرد و حالا پس از گذر بیش از یک سال نه تنها
 قرارداد متکوب اندامی بلکه کنسرتی را در این حتی
 به تیراز از قیلم از ایران که گروه هم بین حامی
 است. او ادامه می‌دهد: بخشی از موضوع قیلم قاتل
 اهلی اهمیت موسیقی، تعطیلی کنسرت‌ها و رفتار
 نادانانه به مردم منمن موسیقی است ولی این نوع
 رفتار باعث فرح‌های ایل قیلم تهیه‌کننده می‌شود.
 که تصور کنید موسیقیان ایل قیلم، بابا، ناساخته‌اند

اهداف آن را تابعی از نظام آموزش رسمی در این روزها که سخن از تغییر مدیر پرورش فکری کودکان و نوجوانان به است، بسیاری از نویسندگان و اندیشمندان کودک و نوجوان نگران است. تغییرات احتمالی منتها به باور بلانکی کانون نینجامد، بلکه به رایجی گرفته بیشتر این نهاد با اهداف تاریخی شود؛ به ویژه آن که برخی با این تلقی زیر مجموعه سازمانی آموزش و پرورش گماری مدیریتی چنین مجموعه‌ای را مسئولیت بسیاری به مدیران فضاهای فرهنگ سازی می‌پندارند.

بیانیه انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در اعتراض به تغییرات قانون رانمی توان در حد یک معاونت تنزل دهیم



آن جا که بیم استحاله آن در ساختار نظام آموزشی و تعلیمی می‌رود، درحالی که فلسفه و جودیت کانن، شکل‌گیری نهادهای پرورشی بوده که رشد و ارتقای قوه تخیل و زیبایی‌شناسی مخاطبان را به‌عنوان هدف اصلی خود دنبال کرده‌اند و تاندیش و احساس مخاطبان در فضای متمایز آن نهادهای

۶ سال باتکلیفی در راهروهای ارشاد به روایت مترجم رمان چوب نروژی

ادبیات در محاق!

◀ ممیزی، اخلاق، عشق و ادبیات در گفت‌وگوی «شهروند» با مهدی غبرایی

امین فرج پور | اوایل هفته گذشته انهایی که به تیرین اردی قضاوت مقابل فرستاده‌های کتاب و روبروی شریعت عادت دارند، وقتی با نسخه ترجمه‌شده جدیدی از «جستارهایی در میان راه‌های موزائیکی مواجه شدند، به احتمال زیاد اولین واکنششان شگفتی زدگی بود. دلیل این شگفتی زده‌شدن همزبانی بود در این بین، اول این که زبان که تاکنون به نام جنگل زویر در این سری جملات پایخون شناخته شده بود، به نام چوب نرزی به بازار عرضه شد. صد بود، دوم دلیل هم نام مترجم کتاب بود که به مهدی غبرایی سال‌های سال بارها و بارها، تکلیفی در صدور مجوز این زبان گفته بود و حالا بعد از سال‌ها بلاتکلیفی تعاضای جلوه‌گری این زبان پشت تیرین کافین‌های نشر آواش را می‌بینیم. به نام دیگرمترجم، این سری صرف انتشار رمانی چنین بود، به نام دیگرمترجم، این سری صرف مواجهه با چنین رمان‌هایی می‌رود؛ و اگر به باور پی‌آگهی تکنیک رمان زوهار و ساعسات می‌شود، مجوز این اصلاح تکرار کلمات و انتظار طلوتی این صدور جزو انتشار کتاب را می‌توانند تعریف کنند. شمار چوب نرزی هم می‌توانست به این معنا باشد که ترجم کتاب که از پیش پیشه‌ای بلاتکلیفی و انتظار را به شما مایله بود، این روند را گسترده‌تر از این بود که شمارشان را به نام اراکلی افغانی خوشحال کنند.

با این که نسخه‌ای دیگر از این کتاب سال گذشته با معصومه عسقلانی به بازار کتاب عرضه شده بود، در هر حال این رو که مورامی در این کتاب غرضش از ویرسم، را در نقطه مقابل تعهد و رسالت جنبش‌های اجتماعی و... قرار داده، انتشار آن به خصوص با توجه به نامش با خود کنجگاهی طیف گسترده‌ای جماعت کتابخوان را متوجه این می‌کند که اتفاقاً ناپ به ششمی! را، درباره این کتاب مورامی که می‌گویند نویسنده را به سوپر استاری تمام‌عیار تبدیل کرده، باید گفت که چوب بزوی داستان دختر و پسر است که در دوره دانشگاه عاشق هم می‌شوند اما دختر را به فرامیاری رانی شده و به بیمارستان بستری شود که این عشق بی‌فراجم می‌ماند. در واقع کتاب به نوزدهم تیرماه و سوزگدار این عشق است. پس بینه زمانه نو کویو دهه ۱۳۶۰ میلادی است، زمانی که شجریان و کیوشن از دانشجویان بسیاری از ملت‌های دیگر که داستان عشق را روایی آنها را فیلم و روزانه‌ها را درو به تیرولژی دیدیم، علیه نظام مستقر اعتراض کردند. در این عین که داستان بر این زمینه بسط یابد، مورامی کلی جنبش دانشجویی را عمدتاً راه کرده، پایدار می‌داند.

مهدی غبرایی مترجم چوب نوژی رمان راجنین
صف می‌کند: این رمان، داستانی است بر مبنای
سرت گذشته، فقدان و تنش‌های عاشقانه. شخصیت
لی و راوی رمان تورو واتانابه است که روزگار
شجویی در توکیو را یاد می‌کند. در خلال یادآوری
و بسط و باطن او ابعاد دختر متفاوت می‌بینیم.

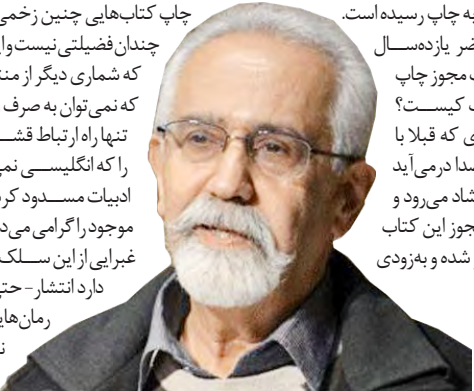
سانسور علیه ادبیات

در تمام اخباری که تاکنون درباره این رمان در ماهنامه‌های فارسی منتشر شده، به سال‌های بلاتکلیفی آن و مترجمش در راهروهای ارشاد نیز اشاره شده است. در واقع غیبری کتاب را در دولت احمدی نژاد ارشاد ارایه داد و حالا بعد از این که یک دوره از دولت حسن روحانی نیز گذشته است، در دوره دوم است جمهوری دولت اعتدال موفق به دریافت مجوز

با چوب نروژی وجود دارد که در سال‌های اخیر با حذفیات فراوانی به چاپ رسیده است. کتاب‌های خیات و جاسوس هر دو از پائولو کوئلیو از جمله نویسندگان جاسوس با تاملاتی به زندگی یکی از مشهورترین جاسوس‌های تاریخ یعنی مائوهارلی و خیات نیز با زنی افسرده و یه‌دسته ربه خیات هر دو نوشتند تا یک سنسور زخم خود خوانند خیات داستان زنی است که چهارمین دهه زندگی‌اش دچار بحران حیجانات دوران جوانی‌اش می‌شود و نویسنده با تاملاتی تیزبینانه به انگیزه‌های رویشانه خیات، خواننده را مجبور کردن درون احساسات بشری دعوت می‌کند و جاسوس نیز در شهر فرنگی از افسونگری قربانی خشونت جنسی، قربانی بازی‌های سیاسی، مادر بی‌په‌ر از حق سرپرستی، فرزند، قربانی خشونت خانگی، افسگری، جاسوسی، هنرمندی و... حول زندگی مائوهارلی بنامی می‌کند و طبیعی است که نویسنده در روایت این داستان‌ها لایه‌های سطحی اخلاق عوام را زیر پا گذاشته باشد تا به هدفی بالاتر در روایتش برسد، اما میرزی با سطح کار دارد و وظیفه‌اش ستردن ظاهر آثار از مظاهر بی‌اخلاقی است.

بودن یا نبودن

نکته‌ای که در این بین بااهمیت جلوه می‌کند، این است که آیا الزامی در چاپ داستان‌هایی مانند *چوب نرورزی* یا *جاسوس* و خیانت وجود دارد، وقتی می‌زمیزی و سانسور اجازه نمی‌دهد چیزی از اصل داستانی به چاپ برسد؟ در حقیقت در نگاه برخی از منتقدان، چاپ کتاب‌هایی چنین زخمی و لار و پار شده چندین فضیلتی نیست و این در حالی است که شماری دیگر از منتقدان با این نگاه که نمی‌توان به صرفی وجود سانسور تنها راه ارتباط قلمری از مخاطبان را که انگلیسی‌نویس می‌دانند یا جریان ادبیات مسدود کرد، این تنها روزنه موجود را گرامی می‌دارند. خود مهدی غبرایی این سلسله‌استی و عقیده دارد انتشار - حتی سانسور شده -



رمان‌های دیگری
هم با شرایطی مشابه

حاشیہ



کمبریج از خالق قصه‌های مجید تحلیل کرد

شهروند! خالق قصه‌های معجد در دانشگاه معبد برپاس خنمازت زبانی فراتر از زبان و ادبیات فارسی مردم تقدیر قرار گرفت. از هوشنگ مرادی کرمانی، نویسنده قصه‌های معجد در نخستین کنفرانس موزه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه کیمبرج، به پاس «سهال تلاش مستمر در داستان‌نویسی و نقش ممتاز در توسعه زبان و ادبیات فارسی» تجلیل شد. در این کنفرانس علاوه بر مسئولان دانشگاه، حمیدعبیدی‌نژاد، سفیر جمهوری اسلامی ایران در نیز حضور داشت. هوشنگ مرادی کرمانی در سخنانی در این کنفرانس گفت: ما در روستایان با پرندانه حرف می‌زنیم، با درخت‌ها، با جانوران، با کوه‌های بلند و سنگی، با استارها، با تکه‌های آب که در آسمان بلند می‌شاورند، حرف می‌زنیم. می‌توانیم از آنها خواندگانش، ما فرزندان اویم، آیا این زبان نرم و شیرین و زیبا، این تصویرها و تعبیرها تا کی برای انسان، انسان‌های هنرمند خواهد گذشت، قصه‌ها و شوره‌ای ما به هجوم ابزارها، ارتباطات سختی و خشک و فراگیر جهان امروز، خسروته‌ها و دشمنی‌ها می‌تیز و کشند، مگر هوشمندان خواهند شد. طبیعت مهربان و قصه‌گو، روایت خودش را از انسان برای نسل‌های بعدی، برای پدیده، برای جوان‌های خواهد گفت؟ مهربان را از زمین شاعر می‌گوید عشقش را، مهر بر او زمین بگیرد! چه می‌ماند، جز یک گور بزرگ/ برای دفن کردن همه ما/ برای دفن کردن من

ما داریم از طبیعت، از خودمان دور می‌شویم. نمی‌شویم؟ زبان ما دارد از شعرها و داستان‌ها، از لب‌ها و گوش‌ها، روح و قلب ما خدا حافظی می‌کند.

اتفاق

موزمبیق

استاد دلنواز و مصباح قمصری



شهروند یا زودی آلبوم موسیقی بی بی کامر از
 این هنرمند به بازار موسیقی کشور می شود. این آلبوم که
 از خلق شده از همزادی استاد دلنواز و استاد مصباح
 قصصی را به سازهایی بام و کمان و پنجتوست و قالیچه
 ۱۰ قطعه با نامهایی چون کاروان، راز و نیاز، تو
 کجا، کجا می، سیاه سوار، همراه و بر برای سه
 نواز که به اجرا درآمده است. این مجموعه به واسطه
 استاد احمدی استاد دلنواز در مقامهای بلوچی
 جمع آوری و توسط قصصی تدوین و تنظیم شد.
 تست در، در مصباح قصصی را به سازهایی
 پنجو که کسای از استاد مصباحی متعلق به موسیقی
 بوستان استاد محمد دلنواز را همراهی می کند
 قصصی چندی پیش پا برادر خود به دونوای
 درخشاخه و آلبوم اقیوم عمود گستره انتشار کرد دیوید
 همچنین این قطعه بر یک راز و نیاز و به دونوای
 درخشانی اختصاص داده بود که خود درباره این
 تست گفت: این آلبوم موسیقی آینده دارد.
 گفتنی است، استاد دلنواز حدود ۱۹۰۰ اجرا و
 بیش از ۱۰۰ آلبوم موسیقی در کارنامه دارد.

کات



اگر ان خصوصی فیلم «حریم شخصی» ساخته احمد معظمی در پردیس ملت برگزار شد.



▲ فیلم جنگ ستارگان: آخرین جدای، با گر امید داشت یادگیری فیزیک که سال پیش در گذشت با حضور عوامل سازنده فیلم برای نخستین بار روی پرده رفت.



▲ محمد نادری و ندا مقصودی به نمایش «مرثیه‌ای برای یک دراکولا» به کارگردانی علی رزاییان پیوستند.